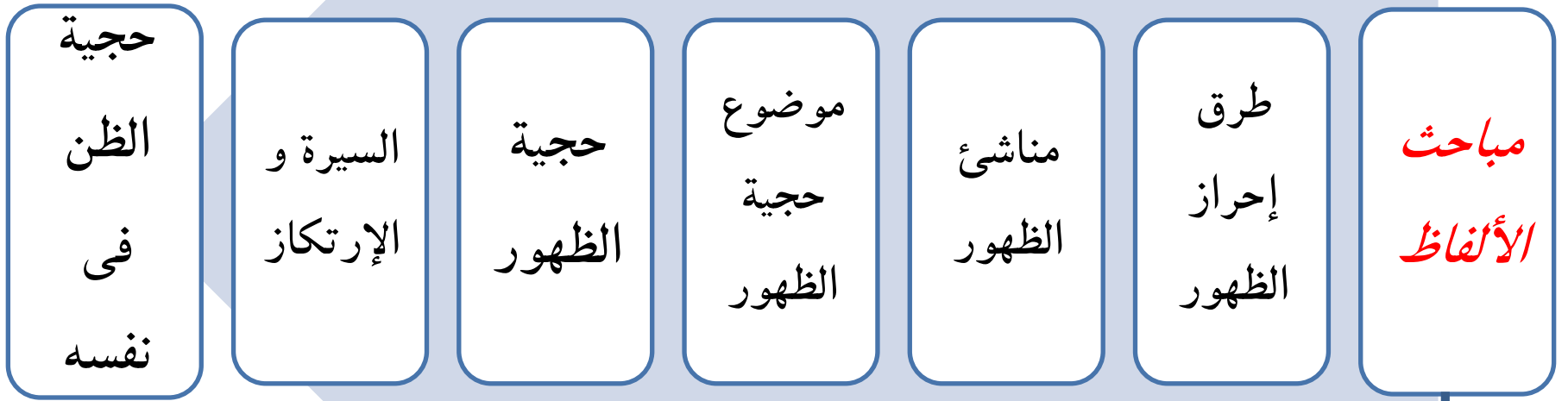


علم أصول الفقه

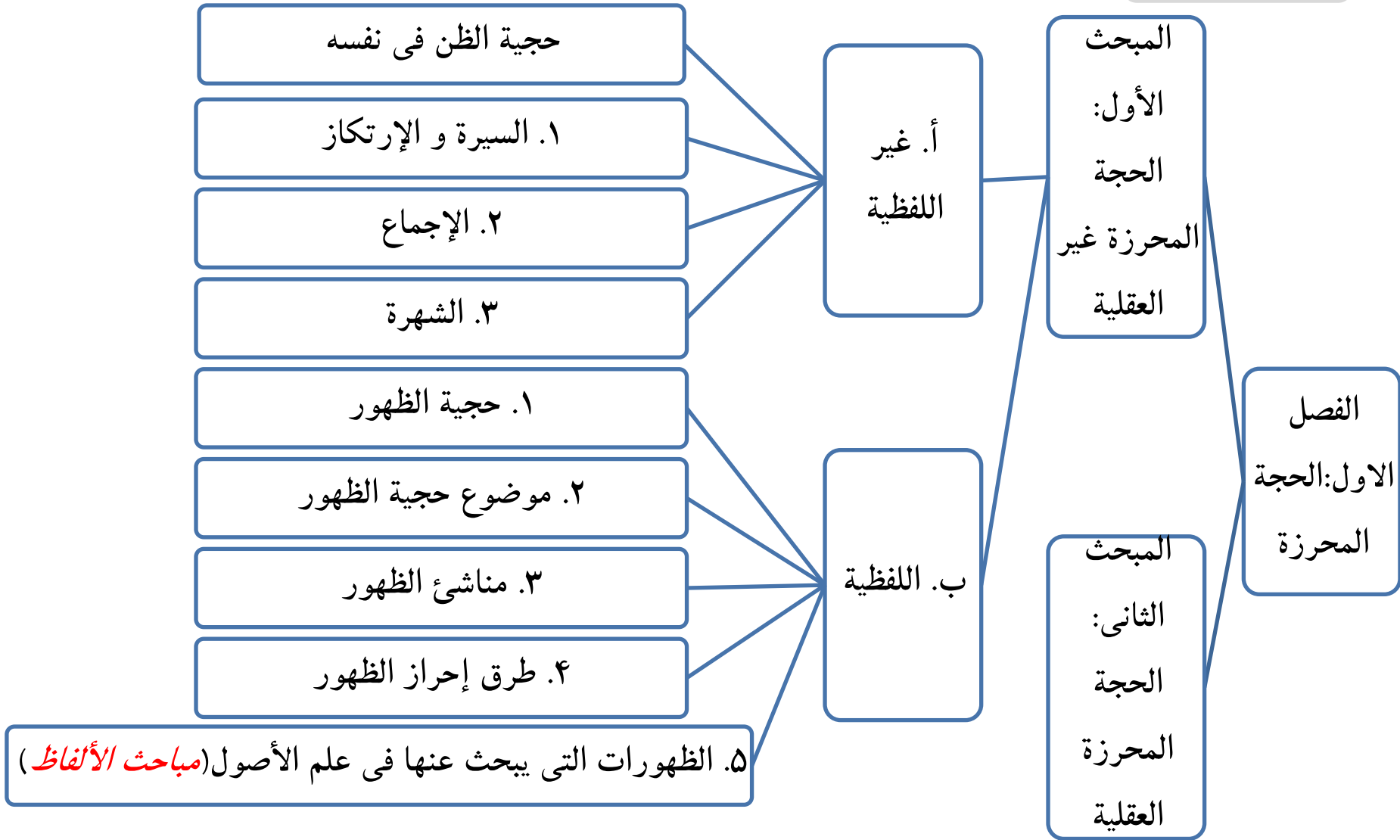
١٠ ٩٢-٨-٤ حجية الظن في نفسه

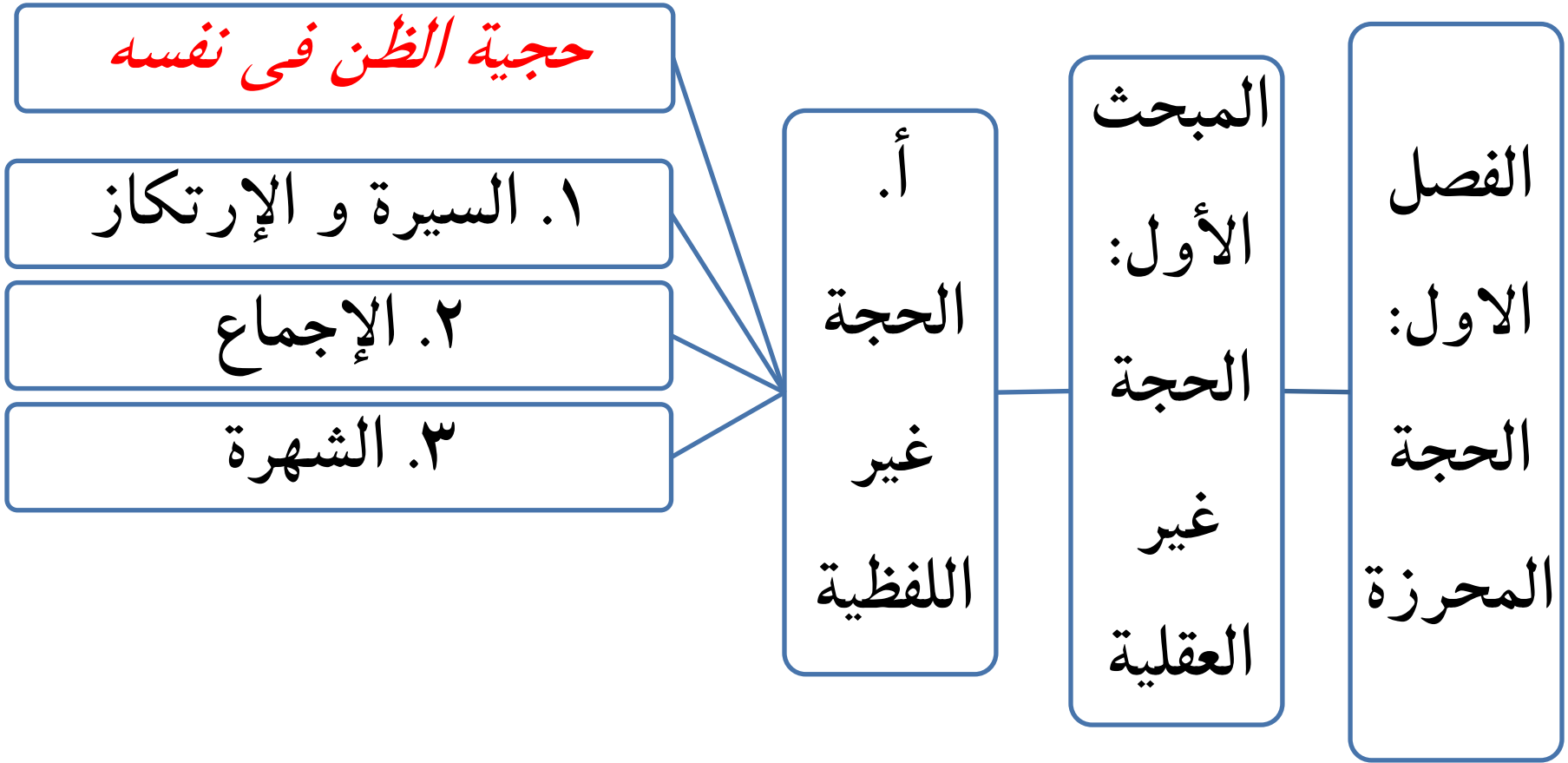
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

ترتيب اصول متعارف



(الظهورات التي
يبحث عنها فى
علم الأصول)





حجية الظن في نفسه

- سؤال این است که **ظن** یعنی حالتی که در آن احتمال خلاف (عدم مطابقت) کمتر از احتمال وفاق (مطابقت) است، **فی حد نفسه** یعنی با قطع نظر از منشأ پیدایش آن **چه حکمی دارد؟**

حجية الظن في نفسه

التعبد بالظن الذي لم يدل دليل على التعبد به محرم بالأدلة الأربعة.

قُلْ أَللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَىٰ
اللَّهِ تَفْتَرُونَ

قرآن

رجل قضى بالحق و
هو لا يعلم

سنت

عدم الجواز بديهي عند
العوام فضلا عن
العلماء

اجماع

تقبیح العقلاء من يتكلف
من قبل مولاه بما لا
يعلم بوروده عن المولى

عقل

ادلة شيخ برای حرمت
عمل به ظن

حجية الظن في نفسه

تمسك به ظهور آیه و روایت قبل از اثبات حجیت ظهور

و خبر واحد

تمسك به روایت ضعیف

مصادره به مطلوب در تمسك به ظهور آیه و روایت

قیاس افتا به قضاوت

تمسك به اجماع منقول

خلط بین حکم عقل و عقلا

اشکالات

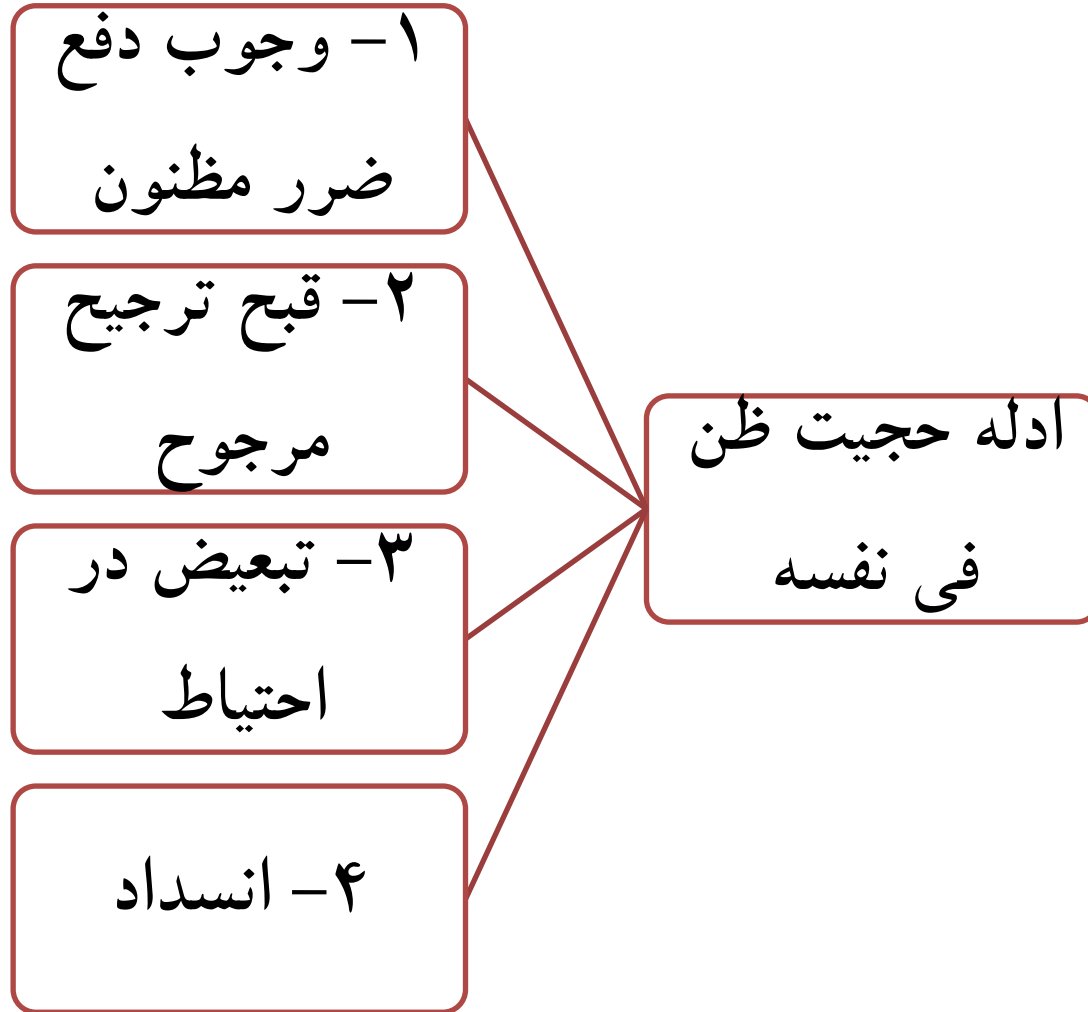
ادله شیخ

انصاری

حجية الظن في نفسه

- ادلة قائلین به حجیت مطلق ظن
- در مقابل رأی شیخ - رضوان الله تعالى عليه - و اکثر اصولی ها، بعضی از ایشان قائل شدند که مطلق ظن حجت است.
- از جمله میرزای قمی - رضوان الله تعالى عليه - که به پیروی از این دیدگاه معروف است.*
- * قمی الجیلانی، میرزا ابوالقاسم بن محمد حسن، قوانین الأصول، ص ۴۴۰.

حجية الظن في نفسه



حجية الظن في نفسه

- این چهار دلیل به دو دلیل برمی گردد؛ چون دلیل دوم و سوم تقریبی ساده از دلیل چهارم هستند.
- متأخرین از دلیل اول غفلت کرده و فقط به بحث دلیل انسداد پرداخته اند؛ یعنی بعد از شیخ - رضوان الله تعالی علیه - **بیشترین هم** اصولی ها در این بحث متوجه **دلیل انسداد** بوده است.

حجية الظن في نفسه

- شهيد صدر - رضوان الله تعالى عليه - دليل پنجمی را اضافه می کند که آن را قاعدة «**حق الطاعة**» می نامد.
- این قاعده نقطه مقابل قاعدة براءة عقليه است.
- مفاد بحث قبل این بود که وقتی به یک حکم یقین پیدا نمی کنیم، آن حکم برای ما احراز نشده است و ما در قبال آن مسئولیتی نداریم؛ به عبارت دیگر هر چند شارع در واقع حکمی داشته باشد، این حکم واقعی اثری ندارد. این بیانی از قاعدة «قبیح عقاب بلا بیان» یا براءة عقلي است.

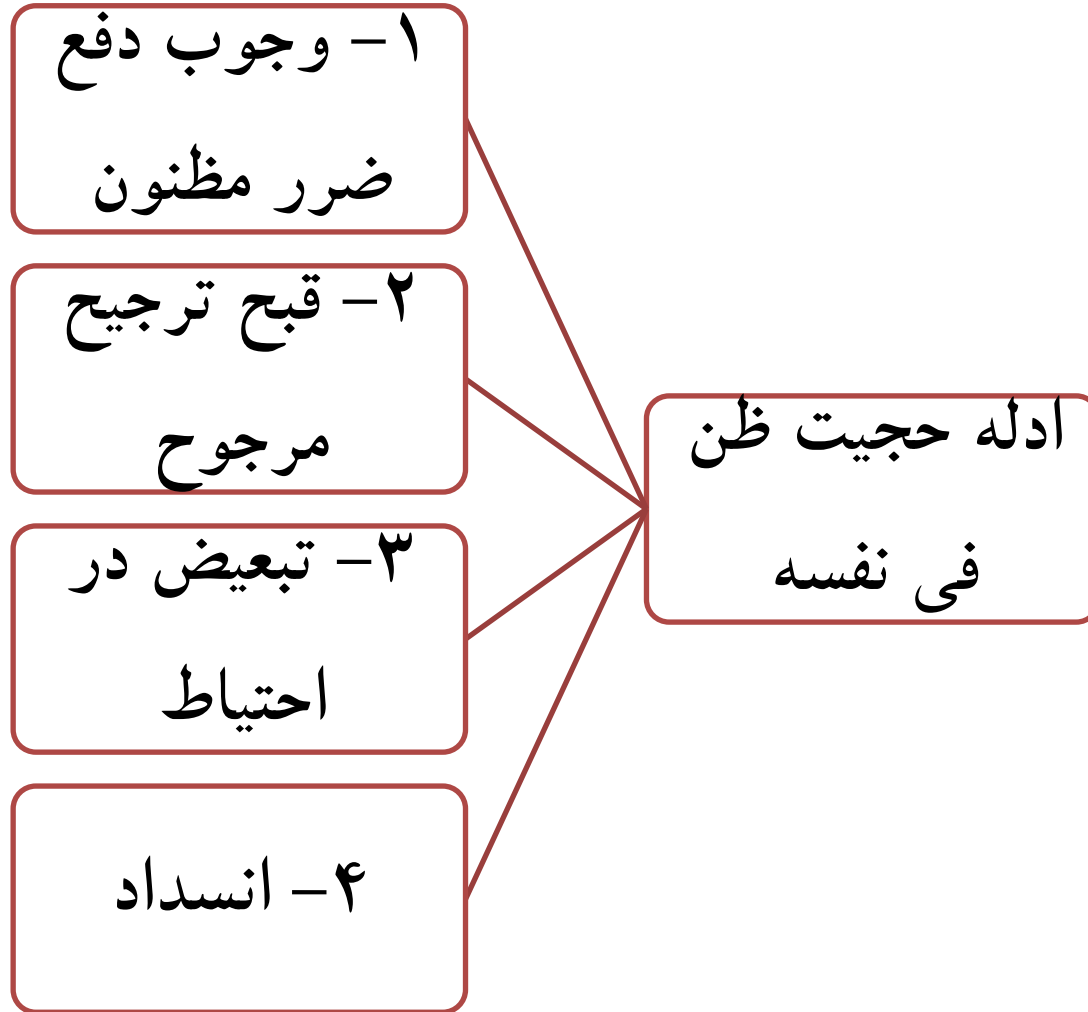
حجية الظن في نفسه

- بررسی ادلة حجیت مطلق ظن
- در این قسمت دلایلی را که شیخ - رضوان الله تعالی علیه - فرمودند، یک یک را بررسی کنیم.
- دلیل اول **وجوب دفع ضرر مظنون** بود

حجية الظن في نفسه

- اما نقد پايانی شيخ - رضوان الله تعالى عليه - كه تمام بودن اين دليل را منحصر به فرض احتياط دانست، درست است.

حجية الظن في نفسه



قبح ترجیح مرجوح

- دلیل دوم: قبح ترجیح مرجوح
- وقتی به حکمی ظن داریم، طرف مظنون راجح و طرف مقابل که نسبت به آن وهم داریم، مرجوح خواهد بود؛ برای مثال وقتی ظن داریم که عملی واجب است، وجوب این عمل رجحان پیدا می‌کند و عدم وجوبش مرجوح می‌شود.
- در دوران بین راجح و مرجوح، باید جانب راجح را انتخاب کنیم؛ چون ترجیح مرجوح بر راجح عقلاً قبیح است.

قبیح ترجیح مرجوح

- ارزیابی دلیل دوم
- به این استدلال جواب‌هایی داده‌اند که شیخ - رضوان الله تعالی علیه - آنها را نمی‌پذیرند و خود جواب دیگری مطرح می‌کنند.
- یکی از جواب‌ها این است که اساساً مجبور نیستیم که یک طرف را ترجیح دهیم. چه اشکالی دارد که توقف کنیم و نه جانب راجح را بگیریم و نه مرجوح را؟
- شیخ - رضوان الله تعالی علیه - در جواب این اشکال می‌فرماید توقف هم قبیح است.

قبح ترجیح مرجوح

- ارزیابی نقد شیخ
- در ارزیابی نقد شیخ - رضوان الله تعالى عليه - باید دو نکته را در نظر داشت:

قبیح ترجیح مرجوح

• نکته اول

- این نقد در مواردی درست است که توقف ممکن باشد. به طور معمول در چنین بحثی که ما الآن در آن هستیم، تصور توقف معنا ندارد؛ چون بنا را می گذارم بر اینکه آن عمل مظنون واجب است یا واجب نیست. در هر حال در خارج یا این کار را انجام می دهم یا ترک می کنم و حالت سوم ندارد. اگر انجام دادم، موافق وجوب و ظن است و اگر ترک کردم، موافق عدم وجوب و وهم است. همین طور وقتی ظن به حرمت دارم، یا عمل را انجام می دهم که مخالف این ظن است یا عمل را ترک می کنم که موافق آن است.

قبح ترجیح مرجوح

- اما در جایی که دوران بین دو «مکلف به» است، **باز** مسأله همین شکل **متفاوت** خواهد بود؛ مثلاً می‌دانیم در ظهر جمعه یا نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر.
- بنابراین اصل وجوب را می‌دانیم. در چنین فرضی نمی‌توانم توقف کنم و هم نماز جمعه نخوانم و هم نماز ظهر را. ناچارم که یک طرف را انتخاب کنم.

قبح ترجیح مرجوح

- نکته دوم
- کبرای این بحث را می‌پذیریم که ترجیح مرجوح بر راجح قبیح است؛ اما اینکه عمل به مضمون از مصادیق ترجیح راجح است و ترک عمل به مضمون از مصادیق ترجیح مرجوح یا از مصادیق عدم ترجیح به شمار می‌آید، در جایی درست است که تکلیف یا غرض شارع به واقع تعلق گرفته باشد؛ یعنی واقع بما هو واقع مطلوب باشد و احتیاط هم ممکن نباشد.

قبح ترجیح مرجوح

- فرض کنید تکلیف مولا به این تعلق گرفته است که عبد تا بغداد برود. پس بودن در بغداد مطلوب مولا است. آن گاه عبد در میان راه بر سر یک دو راهی قرار می گیرد که یک راه او را به بغداد می رساند و راه دیگر او را از بغداد دور می کند. در چنین حالتی وی ظن دارد که مثلاً راه سمت چپ او را به بغداد می رساند و راه سمت راست او را به بغداد نمی رساند. در اینجا تکلیف مولا به واقع (اصل رسیدن و بودن در بغداد) تعلق گرفته است و احتیاط هم ممکن نیست؛ چون نمی تواند از هر دو راه برود و باید یکی را باید انتخاب کند. شیخ - رضوان الله تعالی علیه - می فرماید در اینجا باید **جانب** جانب راجح بگیرد که همان جانب مظنون است.

قبح ترجیح مرجوح

- پس اگر یکی از دو شرط پیش گفته منتفی شود؛ یعنی تکلیف مولا به واقع تعلق نگرفته باشد یا به واقع تعلق گرفته باشد؛ ولی احتیاط ممکن باشد، دیگر این استدلال قابل تطبیق نیست.